

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

95 wa

۸۷/۱/۱۰۳۲۵۴  
۸۷/۱/۱۸



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

عنوان تئوری :

بررسی تطبیقی نقش انسان در نگاره های

هفت اورنگ جامی و آثار رضا عباسی

عنوان عملی :

نگرشی نوبه نگاره های هفت اورنگ جامی و آثار رضا عباسی

استاد راهنمای تئوری:

دکتر پریسا شاد قزوینی

استاد راهنمای عملی :

دکتر محمد معمارزاده

۸۷/۱/۱۰۳۲۵۴

نام دانشجو :

مریم شوندی

شهریور ۸۷

تعمیرات مدرک علمی بزرگ  
تعمیر مدرک

۹۴۷۷۹

## دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده هنر

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نقاشی

### عنوان تئوری:

بررسی تطبیقی نقش انسان در نگاره های

هفت اورنگ جامی و آثار رضا عباسی

### عنوان عملی:

نگارشی نو به نگاره های هفت اورنگ جامی و آثار رضا عباسی

استاد راهنمای تئوری و مشاور عملی:

دکتر پریسا شاد قزوینی

استاد راهنمای عملی و مشاور تئوری:

دکتر محمد معمارزاده

نام دانشجو:

مریم شوندی

شهریور ۸۷

## چکیده

در طول حکومت صفویان بر ایران ، با حمایت حامیانی با عقاید مختلف مذهبی ، سیاسی و عرفانی ، مکاتب و سبکهای هنری مختلفی در تبریز ، مشهد ، قزوین و اصفهان فعال می شوند. بارزترین شکل تغییر سبکی این دوره ، در مقایسه ی تطبیقی مکتب مشهد با مکتب اصفهان و در اشکال متفاوت انسان گرایی آنها دیده می شود.

انسان در مکاتب تبریز دوم و مشهد، چون ذراتی از عالم وجود در خدمت ذات باریتعالی و یا انسان کاملی که مظهر تجلی صفات باریتعالی است، تصویر شده است و نقاش با گرایشات تصوف نقشبندی در تصویر مناظر به دنبال نمایش ارض ملکوتی بود که عرفان اسلامی توصیف گر آن است. بدین منظور هنرمند، شیوه ی نقاشی خود را با زوایای دید متعدد ، رنگهای متنوع و درخشان ، طراحی ظریف و کم مایه ، ترکیب بندیهای دایره ای و تمرکز عوامل انسانی متعدد بر یک نقطه، بر پایه ی سبک هنرمندانی چون بهزاد به گونه ای شکل می داد که در راستای عقاید صوفیانه ی خود و حامیان هنریش باشد.

در حالیکه در مکتب اصفهان هنرمندانی چون رضا عباسی با مخالفت شاه عباس صفوی با تصوف مواجه شدند؛ بر خلاف آنچه که در مکتب مشهد و در حمایت فعال و جدی حامیان هنری از هنر می بینیم. رضا عباسی با تغییر سبک هنری به اقتضای شرایط هنری ، فکری و سیاسی زمانه ، به بیان اعتراض پنهان خود نسبت به عقاید شاه پرداخت. بر خلاف نگاره های هفت اورنگ ، در آثار رضا عباسی شاه موقعیت خود در مقام انسان کامل را از دست می دهد؛ عوامل انسانی، جزئی از ارض ملکوت و در خدمت شاه نخواهند بود. هر یک از انسانها در هر مقام و موقعیتی دارای هویت مستقل و مستعد رسیدن به مقام انسان کامل هستند و هر فرد انسانی در مقام انسان کامل ، غالب بر محیط و برتر از آن ، به تصویر می آید.

**واژگان کلیدی :** انسان کامل ، نقشبندیه ، تک چهره سازی ، رضا عباسی ، مکتب اصفهان ،

هفت اورنگ جامی

## فهرست عناوین

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
	<b>فصل ۱</b>
	<b>درآمدی بر انسانشناسی</b>
۳.....	تعریف انسانشناسی.....
۴.....	تاریخچه انسانشناسی.....
۵.....	خرد رشته های انسانشناسی.....
۵.....	- انسانشناسی جسمانی.....
۵.....	- انسانشناسی فرهنگی.....
۶.....	- انسانشناسی هنر.....
۹.....	- انسانشناسی سیاسی.....
۱۰.....	ماهیت و جایگاه انسانشناسی.....
۱۰.....	اهمیت و ضرورت انسانشناسی.....
۱۱.....	تعریف تکامل.....
۱۱.....	انواع تکامل.....
۱۱.....	انسان کامل.....
۱۲.....	انسان کامل از دیدگاه برخی مکاتب.....
۱۲.....	- ریشه گرایی به انسان کامل.....
۱۳.....	- مکتب عقل.....
۱۳.....	- مکتب عشق.....
۱۳.....	- مکتب قدرت.....
۱۳.....	- مکتب ضعف.....
۱۴.....	- مکتب محبت.....
۱۴.....	- مکتب برخورداری.....
۱۴.....	- مکتب آگزیستانسیالیسم.....
۱۵.....	ویژگیهای انسانشناسی دینی.....
۱۵.....	- انسان کامل از دیدگاه زرتشت.....

- ۱۵.....امشاسپندان یا مراحلشگانه ی کمال.
- ۱۶.....صفات انسان کامل از دیدگاه زرتشت
- ۱۶.....انسان کامل از دیدگاه اسلام.
- ۱۷.....کمال نهایی انسان.
- ۱۷.....ویژگی های انسان کامل در اسلام.

## فصل ۲

### نظام فکری غالب بر دوره صفوی

- ۱۹.....تصوف و عقاید صوفیه
- ۲۱.....- طریقت (توبه ، فقر ، مجاهدت نفس ، توکل ، ذکر ، مراقبه).
- ۲۲.....- تجلی و جذب.
- ۲۲.....- معرفت
- ۲۲.....- عشق الهی.
- ۲۳.....- اتحاد
- ۲۴.....انتقادهای وارد بر صوفیان.
- ۲۵.....ابن عربی از بزرگان عرفان و تصوف.
- ۲۷.....انسان کامل در عرفان ابن عربی.
- ۲۹.....تأثیرات صوفیه در سایر فرق.
- ۳۰.....نقشبندیه.
- ۳۱.....تصوف و صفویه.
- ۳۵.....نقش ارض ملکوت و عالم مثال در هنر ایران.

## فصل ۳

### هفت اورنگ جامی

- ۴۱.....نورالدین عبدالرحمن جامی
- ۴۵.....نسخه مصور هفت اورنگ جامی و نقش حامی آن
- نگارگران هفت اورنگ جامی
- ۴۹.....- آقامیرک

- ۴۹.....میرزا علی -
  - ۵۰.....مولانا مظفر علی -
  - ۵۰.....شیخ محمد -
  - ۵۱.....قدیمی -
  - ۵۱.....ویژگی های تصویری - موضوعی نگاره های هفت اورنگ جامی.....
  - ۵۴.....رنگ ، نور و خط در هنرهای اسلامی.....
- تجزیه و تحلیل نگاره ها

نگاره ۱ روستایی ساده دل از فروشنده تقاضا دارد ، دراز گوش استثنایی او را بفروشد

- ۵۶.....موضوع -
- ۵۶.....ترکیب -
- ۵۸.....رنگ -
- ۵۹.....طراحی -
- ۶۱.....حرکت -
- ۶۲.....نور -
- ۶۲.....بافت -

نگاره ۲ درویش و برگرفتن موی معشوق از کف حمام

- ۶۳.....موضوع -
- ۶۴.....ترکیب -
- ۶۶.....رنگ -
- ۶۶.....طراحی -
- ۶۶.....حرکت -
- ۶۷.....بافت -
- ۶۷.....نور -

نگاره ۳ حضرت یوسف و برپایی جشن باشکوه عروسی

- ۶۸.....موضوع -
- ۶۸.....ترکیب -
- ۷۰.....رنگ -
- ۷۱.....طراحی -

- حرکت ..... ۷۲
- نور ..... ۷۲
- بافت ..... ۷۲

#### نگاره ۴ معراج پیامبر (ص)

- موضوع ..... ۷۲
- ترکیب ..... ۷۳
- رنگ ..... ۷۴
- طراحی ..... ۷۴
- حرکت ..... ۷۵
- نور ..... ۷۵
- بافت ..... ۷۵

#### فصل ۴

##### رضاعباسی

- آیا آقا رضا و رضا عباسی یک شخص در مکتب اصفهان هستند یا خیر؟ ..... ۷۶
- تکوین سبک رضاعباسی و نقش شاه عباس اول در مقام حامی او ..... ۸۲
- ساختار فکری حاکم بر آثار رضاعباسی ..... ۸۶
- ملا صدرای شیرازی ..... ۹۰

##### سابقه اسلاف رضاعباسی در تک پیکر نگاری

- کمال الدین بهزاد ..... ۹۱
- سلطان محمد ..... ۹۷
- میر مصور ..... ۹۸

##### نگارگران هفت اورنگ جامی و سابقه ی آنان در تک پیکر نگاری

- آقامیرک ..... ۹۹
- میرزا علی ..... ۹۹
- مولانا مظفر علی ..... ۱۰۰
- شیخ محمد ..... ۱۰۰



## معاصران رضاعیاسی و سابقه آنان در تک پیکر نگاری

- ۱۰۱..... محمدی هروی
- ۱۰۲..... سیاوش بیگ گرجی
- ۱۰۳..... صادق بیگ افشار
- ۱۰۷..... علی اصغر کاشانی

## ویژگی های تصویری و تجسمی آثار رضاعیاسی

- ۱۰۸..... موضوع آثار رضاعیاسی
- ۱۰۹..... دوره قبل از سرکشی
- ۱۱۰..... دوره سرکشی
- ۱۱۱..... دوره بعد از سرکشی
- ۱۱۲..... طراحی در آثار رضاعیاسی
- ۱۱۳..... طراحی و خوشنویسی
- ۱۱۵..... طراحی و سرعت
- ۱۱۶..... طراحی و محدودیت رنگی
- ۱۱۷..... ترکیب بندی در آثار رضاعیاسی
- ۱۲۰..... تجزیه و تحلیل ترکیب بندی در آثار رضاعیاسی
- ۱۲۲..... تاثیر پذیری رضاعیاسی از نقاشی اروپا
- ۱۲۳..... بررسی علل تغییر سبک رضاعیاسی نسبت به پیشینیان

## فصل ۵

### بررسی تطبیقی نگاره های هفت اورنگ جامی و آثار رضاعیاسی

- تطبیق ۱ نگاره سیاه حیثی و دیدن خود در آینه از هفت اورنگ جامی باتک پیکره درویش جوان رضاعیاسی..... ۱۲۶
- تطبیق ۲ نگاره سلامان و آبسال و آسودن در جزیره شادکامی از هفت اورنگ جامی با نگاره نگرستن خسرو آبتتی شیرین را از رضاعیاسی..... ۱۲۹
- تطبیق ۳ نگاره مرد عرب و شماتت مهمانان از هفت اورنگ جامی با نگاره خیمه گاه نزدیک قبر حاتم رضاعیاسی و نگاره رفتن مجنون سوی کاروان لیلی از هفت اورنگ جامی..... ۱۳۱

تطبیق ۴ نگاره مرید و بوسه بر پای پیر از هفت اورنگ جامی با نگاره تیمور و مور	
رضاعباسی و اندرز پدر به پسر از هفت اورنگ جامی.....	۱۳۴
ارتباط هنری بین نگارگران هفت اورنگ جامی و رضاعباسی .....	۱۳۶
تاثیر نحله های فکری بر هنرمندان و حامیان آنها.....	۱۳۸
نقش انسان در هفت اورنگ و آثار رضاعباسی	
- حالات انسانی.....	۱۴۰
- پوششهای انسانی.....	۱۴۴
سبک و شیوه نقاشی در نگاره های هفت اورنگ جامی و رضاعباسی	
- ترکیب بندی.....	۱۴۴
- رنگ.....	۱۴۶
- طراحی.....	۱۴۷
- حرکت.....	۱۴۹
- نور.....	۱۴۹
- بافت.....	۱۵۰
وجوه اشتراک.....	۱۵۱
وجوه افتراق.....	۱۵۲
جدول طبقه بندی تطبیق نقش انسان در نگاره های هفت اورنگ جامی	
و آثار رضاعباسی.....	۱۵۵
نتیجه گیری.....	۱۶۰
تصاویر.....	۱۶۴
گزارش عملی پروژه .....	۲۰۶
داستان یوسف و زلیخا.....	۲۰۸
تصاویر بخش عملی.....	۲۱۱
فهرست منابع و مأخذ متن.....	۲۱۶
فهرست منابع و مأخذ تصاویر.....	۲۲۱
ضمائم.....	۲۲۳

## فهرست تصاویر

صفحه	تصاویر
۱۶۴.....	۳-۱
۱۶۵.....	۳-۲
۱۶۶.....	۳-۳
۱۶۷.....	۳-۴
۱۶۸.....	۳-۵
۱۶۹.....	۳-۶
۱۷۰.....	۳-۷
۱۷۱.....	۳-۸
۱۷۲.....	۳-۹
۱۷۳.....	۴-۱
۱۷۳.....	۴-۲
۱۷۴.....	۴-۳
۱۷۴.....	۴-۴
۱۷۵.....	۴-۵
۱۷۵.....	۴-۶
۱۷۶.....	۴-۷
۱۷۶.....	۴-۸
۱۷۷.....	۴-۹
۱۷۷.....	۴-۱۰
۱۷۸.....	۴-۱۱
۱۷۸.....	۴-۱۲
۱۷۹.....	۴-۱۳
۱۷۹.....	۴-۱۴
۱۸۰.....	۴-۱۵

180.....	4-16
181.....	4-17
181.....	4-18
181.....	4-19
182.....	4-20
182.....	4-21
183.....	4-22
183.....	4-23
183.....	4-24
184.....	4-25
184.....	4-26
184.....	4-27
185.....	4-28
185.....	4-29
185.....	4-30
186.....	4-31
186.....	4-32
186.....	4-33
187.....	4-34
187.....	4-35
188.....	4-36
188.....	4-37
189.....	4-38
189.....	4-39
190.....	4-40
190.....	4-41
191.....	4-42
191.....	4-43

191.....	4-44
192.....	4-45
192.....	4-46
192.....	4-47
193.....	4-48
193.....	4-49
194.....	4-50
194.....	4-51
194.....	4-52
195.....	4-53
196.....	4-54
196.....	4-55
197.....	5-1
197.....	5-2
198.....	5-3
198.....	5-4
199.....	5-5
199.....	5-6
199.....	5-7
200.....	5-8
200.....	5-9
200.....	5-10
201.....	5-11
201.....	5-12
201.....	5-13
202.....	5-14
203.....	5-15
202.....	5-16

۲.۳.....	∆-۱۷
۲.۴.....	∆-۱۸
۲.۴.....	∆-۱۹
۲.۴.....	∆-۲۰
۲.۴.....	∆-۲۱
۲.۵.....	∆-۲۲
۲.۵.....	∆-۲۳
۲.۵.....	∆-۲۴

## مقدمه

انسان گرایی وجه مشخصه ی غالب مکاتب هنری از جمله مکاتب نگارگری ایران است . به تناسب اصول جهان بینی حاکم بر مکاتب مختلف که از سوی حامیان هنری و اندیشمندان تعیین می شود و نیز به تناسب نظام فکری آن دوران ، نوع توجه به انسان نیز ، متفاوت است . اصل انسان گرایی در نگارگری ایران آنچنان غالب است که به عنوان امری بدیهی در تحقیقات، کمتر به صورت مساله ای ریشه ای بدان پرداخته شده است و تفاوت های نگارشی به شخصیت انسانی در دوران مختلف ، که بر پردازش نقش انسان از نظر تجسمی نیز تاثیر گذار است ؛ کمتر به صورت امری مستقل مطرح بوده است .

از آنجا که تفاوت های انسان گرایی و سبک شناختی در طی دوران حکومت صفوی از ابتدا تا انتها ( از تبریز و مشهد تا قزوین و اصفهان ) شاخص تر از سایر مکاتب بوده است ، ما با انتخاب و بررسی دو بخش مرتبط با هم در دوره ی صفویه و در عین حال دارای خصوصیات متفاوت از هم ، یعنی آثار رضاعباسی و نگاره های هفت اورنگ جامی به مقوله ی انسانشناسی خواهیم پرداخت . چنانکه خواهیم دید نگارگران منسوب به نگاره های هفت اورنگ جامی چون میرزا علی و شیخ محمد از جمله اساتید مستقیم یا غیر مستقیم رضاعباسی هستند ، که این امر بر وجود ارتباط بین این دو مجموعه تاکید دارد .

آنچه در این تحقیق در پی طبقه بندی و بررسی آن خواهیم بود، تطابق تصویری و مفهومی نقش انسان در نگاره های دو مکتب مرتبط با هم ، یعنی مشهد و اصفهان و به طور مشخص نگاره های هفت اورنگ جامی و رضاعباسی است . پاسخ به این مساله که چگونه روند تصویرگری نقش انسان ، تحت تاثیر جهان بینی و اصول و مفاهیم حاکم بر دوران مختلف عصر صفوی دچار تحول چشم گیری گشته است و این تحول به چه صورت در میزان تاکید بر فرم انسان و نیز بر کاربرد هر یک از عناصر هنرهای تجسمی شامل خط ، رنگ ، ترکیب بندی و حرکت و ... تاثیر گذاشته و این عناصر تا چه اندازه در تبیین ارتباطات انسانی ( ارتباط بین انسانهای داخل مجموعه ی نگاره و ارتباط بین انسانهای تصویر شده و مخاطب نگاره ) نقش داشته و به نقاش در تکوین سبک خود کمک کرده اند؟

جهت نیل بدین منظور، ابتدا نظام فکری هر یک از مکاتب فوق و سپس آثار مربوط به هریک مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در این مسیر تنها بر مفاهیم و عناصر تجسمی شکل دهنده ی نقشهای انسانی تاکید خواهیم داشت و تحلیل تصویری نیز فقط در حد

تبیین نقوش انسانی خواهد بود و از هرگونه تحلیل های فرمیک غیر ضرور خودداری خواهد شد.

در بررسی نظام فکری حاکم بر مکتب مشهد و اصفهان ، نهایتاً به تقابل بین عرفان این عربی - در قالب نقشبندیه ، حاکم بر نگارش و تصویر گری هفت اورنگ جامی و ادامه آن در تفکر و آثار رضا عباسی- و فلسفه ی ملاصدرا در مکتب اصفهان خواهیم رسید. در این مکتب تصوف و نقشبندیه در حال زوال و فلسفه ی ملاصدرا در حال ظهور است. در این تحقیق بر میزان تاکید، نوع و شکل توجه هنرمندان به هر یک از نظامهای فکری فوق در آثارشان، خواهیم پرداخت و اهمیت و فراز و فرودهای نظامات فکری فوق در این مکاتب هنری را بررسی خواهیم کرد.

در این تحقیق ارجاعها به صورت داخل متنی است ، ارجاعهای مستقیم داخل گیومه و ارجاعهای غیر مستقیم بدون گیومه و با پاراگراف بندی مشخص شده اند. زیر نویسها با اعداد کوچک ، بالای خط زمینه و ضمائم با اعداد بزرگ، روی خط زمینه و داخل پرانتز درج شده اند.



## فصل ۱

درآمدی بر انسانشناسی

## فصل ۱

### در آمدی بر انسانشناسی

#### تعریف انسانشناسی:

انسان به عنوان یک پدیده هوشمند طبیعی همواره مورد توجه علوم و رشته های هنری بوده است. آشنایی با تعریف کلی انسانشناسی و نیز تلاشهای انجام شده در این مسیر، اهمیت نقش انسان را بارزتر خواهد نمود.

انسانشناسی از ریشه یونانی آنترپوس<sup>۱</sup> به معنای «انسان» و لوگوس<sup>۲</sup> به معنای «شرح و شناخت» گرفته شده بود و هدف آن توصیف و تبیین و مطالعه انسان هوشمند یا نوع بشر است. (جها، ۱۳۸۲، ۱۳)

«عجب موجودی است این انسان، خردش ستایش برانگیز، استعدادش بی پایان، با صورتی ستودنی و حرکتی سریع. در کردار چونان فرشتگان و در فهم و ادراک همچون خدای مایه ی زیبایی عالم و فخر همه جانداران.» «هملت شکسپیر، بخش دوم، صحنه دوم» (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵، ۱۹)

آنچه انسانشناسی خوانده می شود، بخشی است از یک اشتیاق جهانی برای شناخت خود؛ کنجکاوی و بینشهایی از انسان که به شیوه های گوناگون از صورتبندیهای هنری، فلسفی و مذهبی بیان می شود؛ کاوش سطح بیرونی و دسترسی پذیر انسانی که خود بخشی از این جهان پهناور است. (همان، ۱۹)

علم انسانشناسی (مردم شناسی) در بسیاری از نقاط جهان تاحدی ناشناخته باقی مانده است و ابهامات بسیاری در مورد آن وجود دارد. (بالاندیه، ۱۳۷۴، ۳)

علوم و رشته های مختلف، هر یک انسان را از یک جنبه خاص مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند و اهمیت و اعتبار هر یک از این علوم تابع آن ضروری است که آن علم به مطالعه و بررسی آن مشغول است. (واعظی، ۱۳۷۷، ۱۱)

<sup>1</sup> anthropos

<sup>2</sup> logos

## تاریخچه انسانشناسی :

انسان این موجود هوشمند طبیعی همواره و در طول تاریخ مورد توجه بوده است و همواره تلاشهایی در جهت شناخت وی و نیز ارائه ی روشهایی جهت نیل به کمال و خوشبختی وی صورت گرفته است.

« توجه به انسان کامل – انسانی که الگو و معیاری برای افراد انسانی است – سابقه ای بس دیرینه دارد. در سیر تاریخ ، آدمی همیشه به دنبال انسان کامل بوده است و در همین جستجو بوده که گاه موجودات ماورای طبیعی و رب النوعها و گاه قهرمانان افسانه ای و اساطیری و زمانی هم شخصیتهای برجسته ی تاریخ را به عنوان انسان کامل برای خود مطرح کرده است. » ( نصری ، ۱۳۷۶ ، ۳ )

در مشرق زمین به دلیل تنوع ادیان مختلف ، تلاش درباره ی حقیقت انسان ، آغاز و انجام او و جایگاهش در نظام هستی ، همواره در قالب مذهبی و دینی صورت پذیرفته است. ( واعظی ، ۱۳۷۷ ، ۵ )

« اما در مغرب زمین می توان انسانشناسی را به لحاظ تاریخی به سه مرحله ی فلسفی ، مذهبی و علمی تقسیم کرد :

مرحله ی اول با فلسفه ی یونان و تفکرات سقراط شروع می شود<sup>۱</sup>. مرحله ی دوم انسانشناسی در مغرب زمین ، با ورود دین مسیح آغاز می شود ، که شناختی متفاوت با شناخت فلسفی و عقلانی فیلسوفان یونان عرضه داشت و نقش عقل را در شناخت آدمی کمرنگ ساخت. مرحله ی سوم انسانشناسی ، در بستر اومانیزم ( انسان مداری ) رشد می یابد که در قرن چهاردهم میلادی با توسعه ی علوم تجربی و با هدف عصیان بر رفتار کلیسا در قرون وسطای اروپا شکل گرفت. در این فلسفه با روش تجربی و استقرایی به انسان همچون پاره ای از طبیعت و چیزی که قابل شناخت تجربی است نگرینته شد. » ( همان ، ۷۶ )

<sup>۱</sup> از لحاظ تاریخی ، انسانشناسی دینی مشرق زمین ، بر تفکر فلسفی یونان در مورد انسان تقدم زمانی دارد : زیرا کسانی نظیر حضرت موسی ( ع ) ، زرتشت ، بودا ، لائوتسه و مهاویرا به طور تقریبی دو قرن قبل از سقراط می زیسته اند و در نتیجه انسانشناسی دینی مشرق زمین بر تفکر فلسفی یونان ، مقدم است.

### خرد رشته های انسانشناسی :

رشته انسانشناسی بسیار گسترده است. این رشته را می توان مانند بسیاری از دانش های دیگر به شاخه های متعددی تقسیم نمود : از جمله انسانشناسی جسمانی ، باستانشناسی ، انسانشناسی زیباشناختی و انسانشناسی فرهنگی ، انسانشناسی هنر ، انسانشناسی سیاسی. (بیس و پلاگ ، ۱۳۷۵ ، ۲۸ )

### - انسانشناسی جسمانی :

در این نوع انسانشناسی ساختار فیزیولوژیکی و زیستی انسان در گذشته و حال مورد بررسی قرار می گیرد. انسان به جهت برخورداری از توانایی سازش با شرایط خاص به صورت یک موجود منحصر به فرد مطرح است. انسانشناسی بیولوژیکی نسبت به شاخه های دیگر انسانشناسی در پنجاه سال گذشته ، در پیچیدگی و تنوع روش هایی که در تحقیقات به کار می رود ، تغییر بیشتری یافته است. (جها ، ۱۳۸۲ ، ۱۷ )

این رشته با سه حوزه ی اصلی سروکار دارد. نخستین حوزه به توصیف و تبیین نحوه ی تکامل و دگرگونیهایی می پردازد که به موجب آنها تبار انسان از نیاکان مشترکی که با نخستین های دیگر داشت ، انشعاب گردید. در حوزه ی دوم رابطه میان ساختمان زیست شناختی انسان و فرهنگ و رفتار مورد بررسی قرار می گیرد. حوزه ی بررسی سوم ، نخستین شناسی است که با بررسی خویشاوندان نخستین ما و مطالعه ی بومشناختی تکامل و رفتار اجتماعی آنها سروکار دارد. (بیس و پلاگ ، ۱۳۷۵ ، ۲۹ )

### - انسانشناسی فرهنگی :

انسانشناسان فرهنگی و اجتماعی منشا و تاریخ علم بشر و فرهنگشان را مطالعه می کنند. انسان دارای انواع پیشرفتهای رفتاری بوده است. انسانشناسان این پیشرفتهای رفتاری را فرهنگ نامیده اند. (جها ، ۱۳۸۲ ، ۱۴ )

« بیشتر آنچه را که انسانشناسان در پژوهشهای نوع بشر مورد بررسی قرار می دهند ، به فرهنگ راجع است. فرهنگ به تعبیر گسترده ی آن ؛ عبارت از نظام مشترک از باورها ، ارزشها ، رسمها ، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک